



دیدگاهها

نگرش دولت قرقیزستان نسبت به ادیان

برای رهایی از خلاء معنوی در جامعه تلاشهای فراوانی صورت می‌گیرد. در این رابطه هم مساجد هم کلیساها و هم معابد و ... سهیم هستند؛ ولی خیابانها پُراز دزد و راهزن و قاتلان می‌باشند. نیایشها هیچ تأثیری جهت کاهش میزان جنایتکاری نداشته‌اند و در کنار آن تلاش جهت برگرداندن مردم به دین و دیانت و معنویت باعث نزاع بین جوامع مذهبی گردیده است. چرا؟

مطبوعات و سایر رسانه‌های گروهی از قبیل روزنامه‌های (ارکین‌تاو، نشاگازیته، سخن قرقیزستان، رادیو آزاتیک و تلویزیون پرامیدا و ...) به موضوع معنویت مذهبی روی آوردند و پی‌درپی مقالات و برنامه‌های مذهبی پخش می‌نمایند. در بسیاری از موارد کمیته دولتی امور ادیان زیر تازیانه انتقاد قرار می‌گیرد که چرا روزنامه‌ها و تلویزیون آنقدر در برنامه‌های خود از امور مذهبی و روحانیت حمایت می‌نمایند. چرا بجای این گفتارها، واقعیات موجود کشور تحلیل و بررسی نمی‌گردد. واقعاً هدف چیست؟

برخی از رسانه‌های گروهی در قرقیزستان در این رابطه به نفع مخالفان، دولت را مورد انتقاد قرار می‌دهند؛ گروهی نیز فقط بخاطر منافع مالی اقدام به ترویج امور مذهبی می‌نمایند. نکته جالب این است که گروههای دینی از طریق همین برنامه‌های دینی بیشتر از همه، کمیته رسیدگی به امور ادیان را مورد انتقاد قرار می‌دهند؛ اینها کمیته‌ای می‌خواهند که تحت تأثیر آنها باشد و هر خواهسته‌ای که دارند را برآورده نماید و معمولاً از این شعار سوءاستفاده می‌کنند که «دین از دولت جداست و بهتر است که دولت در امور ادیان دخالتی ننماید». دولت می‌گوید: «دولت در امور ادیان دخالت ننموده است؛ ولی مگر به قدرت رسیدن بنیادگرایان اسلامی موجب نگرانی دولت نمی‌باشد پس چگونه به دولت ربطی ندارد».

در شرایطی که در جامعه سردرگمی وجود دارد ادیان اهرم بسیار قوی به‌شمار می‌روند؛ اما سؤال این است که از دین چگونه باید استفاده گردد؟ برای مثال، تعدادی از مسلمانان می‌خواستند از طریق برخی از رهبران خویش و طرفدارانشان در پارلمان کشور ترتیبی اتخاذ نمایند که کمیته دولتی در امور ادیان را منحل نمایند و در امور مربوط به دولت مداخله نمایند.

در رابطه با کلیسا و مناسبات آن با دولت باید چنین اصلی به کار گرفته شود که در کلیسا برای پایداری وطن دعا کنند و دعا نمایند که بتوانند اتباع این کشور را در فضای دوستی و صداقت تربیت نمایند و از دست‌اندازی بر پایه‌های بنیادی دولت اجتناب نمایند. در کشور همه گروه‌های مذهبی و مبلغان آنان بایستی ثبت گردند. مردم برآنند که فعالیت ادیان به‌طور کلی جهت بهبود اخلاق اجتماعی و معنویت می‌باشد. اسقف اعظم (اسقف روسیه) در این رابطه می‌گوید آزادی را نباید به معنای لاقیدی گرفت. ما از آزادی مذهبی که در قرقیزستان فراهم شده است تشکر می‌کنیم؛ ولی چرا فرقه‌هایی وارد خاک قرقیزستان می‌شوند که اصلاً در این مرزوبوم ریشه‌ای نداشتند. جواب این سؤال را اسقف اعظم می‌دهند. علت آن است که مسئولان کلیسا و مساجد به منازعات داخلی خود سرگرم هستند و توجهی به انجام امور اصلی خود ندارند. اگر توجه لازم از سوی مراکز مذهبی به مردم صورت می‌گرفت که مردم به فرقه‌هایی از قبیل مونا و ... روی نمی‌آوردند. شما بجای موعظه برای مردم از دولت می‌خواهید که این را تعطیل و آن را منع نماید، شما بهتر است بدانید که دولت خود می‌داند با فرقه‌هایی از قبیل مونایا آیوم چه رفتاری بنماید. آری شما می‌خواهید در چنین مواردی با مداخله در امور مربوط به دولت ضعف‌های خود را بپوشانید. از خارج از کشور مبلغان عاقل و مجرب وارد کشور می‌شوند که شما هیچ حرفی برای گفتن در مقابل آنان ندارید. در طول تاریخ، قرقیزستان در چهارراه شرق و غرب قرار داشته است و ادیان مختلف در این منطقه حضور داشته‌اند؛ ولی هرگز عدم مدارای مذهبی در این منطقه دیده نشده است، چرا که ادیان مختلف برای حل مسائل عمومی بشریت آمده‌اند نه برای ایجاد اختلاف و ناآرامی. در صورتی که ادیان موجود در جمهوری قرقیزستان منافع دولت را محترم بشمارند دولت نیز به آنها برای فعالیت مساعدت می‌نماید. موضوعی که قابل توجه است این است که فرقه‌های مذهبی موجود در قرقیزستان بخصوص مسلمانان سنی و پروتستانها عقیده دارند که گروه‌های دیگر مذهبی حق هیچ‌گونه فعالیتی ندارند؛ حتی اگر اهداف آنها بشردوستانه و غیرتهاجمی باشد؛ زیرا که آنها نگران از دست دادن مناطق نفوذ خود می‌باشند.

برای مثال در استان اوش در کوه حضرت سلیمان عده‌ای بالای کوه و تعدادی پایین کوه را اشغال کرده‌اند و برای افزایش درآمد با یکدیگر رقابت می‌کنند. به نظر می‌رسد راه بهبود وضع موجود عبارت است از ثبت فرقه‌های مذهبی بنابر اصل پابندی آنها به قوانین. کنترل فعالیت مبلغان خارجی شرط بسیار مهمی به شمار می‌رود و دولت موظف است که خط و ربط سیاسی و اجتماعی آنها را کاملاً در نظر داشته باشد.

غیر از این مسائل یک کمیسیون لازم است تا مسائل موجود بین فرقه‌های مذهبی و دولت را حل و فصل نماید. در این صورت دولت می‌تواند با قدرت، نظارت کافی بر امور ادیان بنماید. نباید فراموش شود که پارلمان باید منابع تأمین مالی این فرقه‌های مذهبی را بررسی نماید.

روزنامه رسپلیکاس - تهیه کننده: علیمحمد رمضانزاده

آیا باید دریای خزر را به حوضچه‌های خصوصی تقسیم کرد؟

ما دریای خزر را «دریا» می‌نامیم ولی مطابق با قوانین جغرافیای فیزیکی، این یک دریاچه است که با اقیانوس جهانی ارتباط ندارد. با پیدایش دولتهای استقلال یافته در ساحل خزر، برخی از سیاستمداران «مستقل» جدید در صدد تجدیدنظر در برداشتهای دیرینه از فضاهاى آبی و بازنویسی کتاب درسی جغرافیا برآمده‌اند. علت این گرایشهای جدید بسیار ساده است. اگر خزر دریا شناخته شود، رژیم حقوقی کنونی آن تغییر خواهد کرد و حقوق دریایی بین‌المللی شامل حال آن خواهد شد. آنگاه می‌توان این دریا را به وسیله مرزهای دولتی به چند قسمت تقسیم کرد و به فعالیت مستقل اقتصادی در این قسمتها پرداخت. اما اینگونه تقسیمات که به نحوی برای دریای واقعی و مرتبط با اقیانوس قابل قبول هستند، برای پدیده منحصر به فرد طبیعی و جغرافیایی مثل خزر، عواقب فاجعه‌باری خواهند داشت. طبق قرارداد منعقد شده بین ایران و اتحاد شوروی در سال ۱۹۴۰ دریای خزر حوزه آبی داخلی دو کشور